



سلطان نجوی اهل فوسان در
اوتنومور نظامی غربی در جلوی یک
لباس مملکتی که توسط
رئیس شرمعات دربارش
به نمایش درآمده است (۱۹۰۸)

نوآوری و الهام

نوشته دیوید دالبی

ترکیب، ثبت گزارشها و بخصوص موارد ثبت شده ماجراهای عشقی جنجال آمیز، نمادهای نسبییدی را می‌شد روی کدو قلبی یا دیگر اشیای خانگی حکت و روی دیواره، پارچه یا بر بدن انسان نقاش یا خالکوبی کرد. آنها به یک نوع زبان خاص مربوط نمی‌شوند بلکه در یک ناحیه چند زبانه میان سخنگویان زبانهای اکویی، ایگیو و اییبی وجود دارند.

با به یک افسانه عجیب قدیمی، رموز نسبییدی توسط نوعی از میمونهای بابون بزرگ به نام ایدویک به انسانها الهام شد. این افسانه پیش از هر چیز یادآور بابون خدای مرتبط با «توت» است که در مصر باستان خدای حامی کاتبان بوده است. این باورهای بسیار پراکنده در مورد همان یک حیوان بعد است صرفاً اتفاقی باشد، و همین ما را با دو امکان روبه‌رو می‌سازد. آیا این باور اصلاً مصری بوده و طی هزاران سال و با پیوند هزاران کیلومتر به شرق نجر به راه یافته است یا یک باور کهن و شایع در آفریقای سیاه بوده و

درحالی که تکامل نوشتار - بازنمایی خطی و بصری زبانهای شفاهی خاص - در حدود ۵۰۰۰ سال پیش آغاز شده، استفاده از نمادهای گرافیک برای نمایش الهام و اندیشه، و بازنمایی ارزشهای مذهبی و جادویی، ظریفاً به قدمت کلام شفاهی است.

گاهی چنین گفته شده است که برخی از نمادهای سنتی آفریقا، مثل آنهايي که توسط مردمان «آکانه» زبان کشور غنا به کار می‌رود، از هیروگلیف‌های مصر باستان الهام گرفته است، یعنی از همان دوران شکوهمند نوشتاری که در شمال شرق آفریقا رخ داد. اما احتمال بیشتر می‌رود که خود هیروگلیف‌ها نیز ۵۰۰۰ سال پیش تا حد زیادی از سنتهای کهن تر نمادگرایی گرافیک در خود آفریقا الهام گرفته باشند. درحالی که سنت دراز نوشتن ظاهراً در شمال و شرق صحرا و دره نیل وجود داشته است، در سمت جنوب ناحیه‌ای قرار دارد که فرهنگهایش عیدتا با ادبیات شفاهی پیوند خورده‌اند. از طرف دیگر بخصوص در غرب آفریقا، سنتهای قدرتمندی از نمادگرایی گرافیک و نیز نمونه‌های بسیاری از تحولات مدرن با طراحی (نو) سیستمهای بومی نوشتاری، به چشم می‌خورد.

یکی از قابل توجه‌ترین نمونه‌های استفاده از نمادهای گرافیک در آفریقا، نظام پیچیده تصویرنگارها و اندیشه‌نگارهایی است که به نیبیدی (Nǀbi) یا نسبییدی شهرت دارد و از قدیم در ناحیه کراس ریور در جنوب نجر به به کار می‌رفته است. این دستگاه از قراره کاربردهای ریاضی داشته است از جمله استفاده از نمادها به صورت

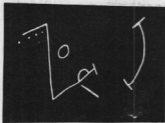
هیروگلیف‌های مصری
ممکن است از
سنتهای کهن تر آفریقای
الهام گرفته باشد

دیوید دالبی

اهل بریتانیا و سرپرست سابق
مؤسسه بین‌المللی آفریقا و
استاد ممتاز زبانهای آفریقای
دانشگاه لندن از هیئت‌معاون سرپرست
آزمایشگاه زبان در کلمبولو،
فرانسه است و در آنجا سرگرم
تدوین فهرست زبانهای مدرن جهان

به نام *The Key to the Logosphere* است. آثار

منتشرشده وی عبارتند از:
زبان و تاریخ آفریقا (۱۹۷۰)
تلفه زبانی آفریقا (۱۹۷۷) و آفریقا و





همراه نمادهای سنتی گرافیک - که عنصر حیاتی در وضوح نخستین هیروگلیف‌های تصویرنگارانه بوده - به مصر رفته است؟

شاهد تحقق اندیشه‌هایش باشد و یک دستگاه چاپ به کمک مهرهای مسی دست ساز به‌وجود آورد و به تدوین متونی درباره تاریخ و مراسم قلمرو سلطنتی‌اش بپردازد. مسأله‌ها دستاوردهای نجویا با آغاز جنگ جهانی اول متوقف ماند. مدارس نجویا که تحت سلطه آلمانها با تشویق رو به‌رو بودند، توسط استعمارگران پس از جنگ بسته شدند و او از شدت ناامیدی دستگاه چاپ خود را نابود کرد. در سال ۱۹۳۱ وی برکنار و تبعید شد و دو سال پس از آن درگذشت.

خط مقدس

سرگذشت روش نجویا این امکان را فراهم آورد تا نحوه ظهور ناگهانی کتابت مصری را هم به همین شیوه نوآوری یک فرد بدانیم که وقت و مقام لازم را برای پیشبرد کار داشته و نتیجه کارش بدون هرگونه مخالفتی، مورد پذیرش مسئول قرار گرفته است.

سند و مدرکی در دست نیست که نشان دهد نوشتار هیروگلیفی در آغاز تحول بسیار داشته است، و وجود یک مبتکر واحد را هم می‌توان از روی قدیمیترین شکل ثبت شده آن توضیح داد که در آن مراحل مطابقت تکامل یک نظام واحد نمایان است.

همان‌طور که در مورد نجویا می‌گویند که او به هیچ‌وجه تحت تأثیر کتابان عرب قرار نگرفته است، مبتکر مصری نیز احتمالاً از یک نوآوری قدیمیتر و کاملاً مطابقت با نظام نگارش موجود در بین‌النهرین تأثیر پذیرفته است.

همچنانکه در مورد چندین نظام بومی نگارش در غرب افریقا از سوی مبتکرانش ادعا شده که کارشان بر اثر الهام آسمانی بوده است، در مورد کاتب مصری هم می‌توان چنین فرض کرد، و این‌گونه منشأیایی مسلماً جزو استقادات سنتی تاریخ کتابان بوده است. طبیعت مقدس و الهام‌بخش شیوه نوشتار مصری، آن را در طول هزاران سال از هرگونه تجدیدساختار انقلابی مصون نگاه داشته و استفاده از آن را حتی برای یک جمع بزرگ‌تره نیز محدود کرده است.

همراه نمادهای سنتی گرافیک - که عنصر حیاتی در وضوح نخستین هیروگلیف‌های تصویرنگارانه بوده - به مصر رفته است؟

روای سلطان نجویا

در فاصله کوتاهی از ناحیه سنتی سیبیدی در شرق، در مرز کامرون آلمان، در حدود یک قرن پیش، واقعه فرهنگی مهیسی اتفاق افتاد. این واقعه، پیدایش مترقیانه نظام مستقل و اصیل از نگارش در زبان «بامبر» است که توسط سلطان نجویا اهل فومبان صورت گرفت.

نجویا، در این مورد نیز مثل بسیاری از نوآوران نظام‌های نگارش افریقا، از یک رویالهام گرفت، و پس از آن از اتباع سرزمین خود خواست تا اشیا بی‌مخلف را طراحی و نامگذاری کنند. او با برخورداری از این نتایج، به تجربه خویش ادامه داد تا تراست بخشی نظام نگارش خویش را به‌وجود آورد که محتوی حدود ۴۶۶ نماد تصویرنگار و

اندیشه‌نگار است. چهل سال تجربه و بی‌شرف او را به‌سوی استفاده از نظام هجایی نهایی‌اش هدایت کرده که به‌نام نخستین چهار حرف از مشاهده حرفش نامگذاری شد: آ-کو- او-کو.

سلطان نجویا بدون شک یک نابغه بود، اما در واقع مقام سلطنتی وی به او این فرصت را داد که با تأسیس «بمبار» که در آنها ابتعاش به فراگیری خواندن و نوشتن می‌پرداختند



1330 000 000 000 000 000
 2000000000 000 000 000
 2000000000 000 000 000
 2000000000 000 000 000
 2000000000 000 000 000
 2000000000 000 000 000
 2000000000 000 000 000
 2000000000 000 000 000

یک دعا به درگاه خداوند به زبان بابون، کشور کامرون در ۱۹۱۱ این خط به آ-کو-او-کو، شهرت دارد. مانی که از چهار حرف اول آن گرفته شده است.

منطقه مقابل، نخستین بخش این دو نماد نمایانگر نام «سیبیدی» است. دستگامی از نمادهای گرافیک است که به‌طور مستقیم در بخش جنوب‌غربی نجویا به کار گرفته. دومین بخش نمایانگر یک «ایدیوم» یکی از انواع بابون‌های بزرگ است که از قرار معلوم آنها معشایار «سیبیدی» به آسانها بوده است.

این مجسمه مصری لیسر نوب، کهن، دیر و کاتب امپرفیس سوم (حدود ۱۹۰۰ قبل از میلاد) را نشان می‌دهد که خودماده به پای دولت خداوند کتابت که سری «بابون» نوار دارد، نوشته است.